

واکاوی جامعه‌شناختی احساسات شهروندان تهرانی به محیط زیست

عبدالحسین کالانتاری^۱

مسعود کیانپور^۲

وحید مزیدی شرف‌آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۰۲

چکیده

تعامل انسان با محیط‌زیست، همواره مورد توجه دانشمندان و متخصصان حیطه‌های گوناگون علمی بوده است. دهه‌های متمادی است که اثبات شده است بهبود رابطه انسان با محیط‌زیست در وجوه گوناگون، لزوماً متأثر از نگرش‌ها، احساسات و دیدگاه‌های آن‌ها به محیط‌زیست است، درحالی‌که بررسی احساسات زیست‌محیطی به صورت مجزا در ایران، سابقه‌ای نداشته است. احساسات زیست‌محیطی که دارای دلالت‌های وظیفه‌گرایی و تعلق‌مندی هستند، تأثیری مهم بر انواع رفتارها در قبال محیط‌زیست دارند. این پژوهش به روش پیمایش و نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای تصادفی از ساکنان بالغ شهر تهران و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساسات زیست‌محیطی و سازوکارهای (مکانیسم‌های) مربوط پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد میانگین احساسات زیست‌محیطی شهروندان تهرانی در مقیاس صفر تا صد، بین ۶۲/۱ تا ۶۵/۱ است که متوسط به بالا تلقی می‌شود. روابط دومتغیره بین جنس، ارزش‌های زیست‌محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و دینداری، با متغیر وابسته معنا دار است. در تحلیل رگرسیون چندگانه، مدل نظری، بیش از ۶۴ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین کرده است. نتایج تحلیل مسیر نیز از طریق تأثیرگذاری بر تجربه ارتباط با طبیعت، بیشترین تأثیرگذاری را در مورد متغیر ارزش‌های زیست‌محیطی و در نهایت تأثیرگذاری بر متغیر وابسته با میزان اثر کل ۰/۵۷۸ به دست داده است.

واژه‌های کلیدی: احساسات زیست‌محیطی، احساس تعلق، احساس وظیفه‌گرایی، ارزش‌های زیست‌محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت.

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

Email: abkalantari@ut.ac.ir

^۲ عضو هیئت علمی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، Email: m.kianpour@Ltd.ui.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه تهران، Email: mazidi4870@ut.ac.ir

مقدمه

اجتماع انسانی در محیط طبیعی، شکل و قوام یافته است؛ از همین رو، تعامل انسان با محیط، به اندازه تعامل با هموعانش اهمیت دارد. در این میان، رفتار انسان با محیط زیست، متأثر از مدرنیته و فرایندهای آن، آسیب‌زا شده است و به نظر می‌رسد ارتباط بین این دو بخش، به دلیل اجتماع زیستی در بین شهرنشینان، پر از چالش شده است. قطع یا کاهش ارتباط احساسی شهروندان تهرانی با محیط زیست و موضوع‌های زیست‌محیطی، به پیامدهایی منفی برای محیط زیست و انسان‌ها مانند بحران آب، آلودگی هوا و افزایش بیماری‌های مربوط به آن و موارد بسیاری از این نوع منجر می‌شود. با توجه به محدودیت منابع تجدیدپذیر طبیعی و لزوم همگرایی بیشتر بین انسان و زیست‌بوم او، توجه به مسائل زیست‌محیطی و فهم و پیش‌بینی متغیرها و سازوکارهای تأثیرگذار بر این رابطه، اهمیت بسزایی در تحقیقات عرصه‌های گوناگون داشته است؛ چراکه اعتقاد بر این است که با شناسایی عوامل این ارتباط می‌توان پیامدهای منفی تعامل انسان با محیط را کمتر کرد و آن را به رابطه‌ای مسئولانه و پیوندجویانه تغییر داد (ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۳۸).

امروزه در حیطه جامعه‌شناسی احساس و محیط‌زیست، مسائل زیست‌محیطی عمیقاً دارای مفاهیم اجتماعی هستند (دورکیم، ۱۳۸۳؛ ترنر، ۲۰۰۶؛ ترنر و استتس، ۲۰۰۵). هرچند در آسیب‌شناسی رفتارهای انسانی در قبال موضوع‌های زیست‌محیطی، عمدتاً بر نقش نگرش و به‌ویژه بعد شناختی آن تأکید شده است (ساتن، ۲۰۰۷)، اما باید توجه کرد که احساسات زیست‌محیطی به‌عنوان بخشی از سازه نگرش، در تعیین رفتارهای انسانی در مورد موضوع‌های زیست‌محیطی حائز اهمیت بسیار زیادی است (میر و همکاران، ۲۰۰۴؛ ویلالوبوس، ۲۰۱۳؛ هیندس و اسپارک، ۲۰۰۷؛ کالس و همکاران، ۱۹۹۹؛ پولی و اوکونر، ۲۰۰۰؛ گینرسورولا، ۱۹۹۹؛ برگلر و ویجنس، ۱۹۸۹؛ شرکه، ۲۰۰۸؛ کلوزینگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۹۲)؛ واقعیتی که بررسی آن در جامعه‌شناسی محیط‌زیست در ایران هیچ‌گونه پیشینه‌ای ندارد و در ادبیات جهانی نیز عمر کوتاهی به‌اندازه دهه‌های اخیر داشته است.

نگرش، نظامی از عناصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل در زمینه هرگونه واقعیت محیطی است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۶؛ بهنر و وانک، ۱۳۸۴: ۱۱؛ آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۳۱؛ کریم‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۳؛ ترکان و کجفاف، ۱۳۸۷: ۵۰؛ فریدمن و همکاران، ۱۹۷۰ به نقل از کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳؛ صفاری‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲؛ تیلور و پیلا، ۲۰۰۳؛ ایگلی و چایکن، ۱۹۹۳). عنصر عاطفی

و ویژگی ارزیابی‌کنندگی در ابعاد مثبت و منفی، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نگرش هستند. تجربه احساسی، اغلب در زمینه برخورد تمایل احساسی فرد با چیزی یا موقعیتی ایجاد می‌شود (ویلالوبوس، ۲۰۱۳: ۱۶). درباره محیط‌زیست^۵ به معنای محیط طبیعی‌ای که ساخته دست انسان نیست، مانند کوه، هوا، جنگل و... - می‌توان گفت که بخشی از نگرش‌ها شامل مجموعه احساس‌های خوشایند یا ناخوشایند در مورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسائل مربوط به آن است (بلوم، ۲۰۰۷ به نقل از طالبی صومعه‌سرای، ۱۳۹۲؛ کالس و همکاران، ۲۰۰۹ به نقل از ویلالوبوس، ۲۰۱۳: ۸).

هرچند احساس، سازه‌ای روان‌شناختی است، اما از آنجاکه بخش عمده‌ای از آن و نیز عوامل مؤثر بر ایجاد آن، به‌ویژه مورد اطلاق آن در این پژوهش (محیط‌زیست) ماهیتی اجتماعی دارد، در این پژوهش به تمایل‌های احساسی در بین شهروندان تهرانی به محیط‌زیست که دارای دلالت‌های وظیفه‌گرایی (احساسات مربوط به مسئولیت در قبال محیط‌زیست) و تعلق‌گرایی (احساس یکی‌بودن و پیوند با محیط طبیعی) هستند و بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

در ایران به احساس، کمتر با رویکرد جامعه‌شناسانه توجه شده است. در این زمینه، می‌توان از اثر فرامرز رفیع‌پور (۱۳۷۵) با عنوان *جامعه، احساس و موسیقی*، مقاله علی ربانی خوراسگانی و مسعود کیانپور (۱۳۸۸) در معرفی جامعه‌شناسی احساسات و کتاب در ستایش شرم، از قاضی (۱۳۸۷) به‌عنوان محدود پژوهش‌ها در این زمینه یاد کرد. مطالعات قبلی درباره احساسات به محیط‌زیست، هیچ پژوهشی در ایران انجام نگرفته است و عموم پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام‌گرفته، به بررسی ابعاد شناختی و ادراکی نگرش‌های افراد نسبت به فرایندهای زیست‌محیطی پرداخته‌اند (ر. ک: کایزر و همکاران، ۱۹۹۹؛ بوداک، ۲۰۰۵؛ هبرلین، ۱۹۷۲؛ هبرلین، ۲۰۱۲؛ میلفونت و دوکیت، ۲۰۰۴؛ فلم، ۲۰۰۶؛ گروب، ۱۹۹۵؛ لسو دلاوگا، ۲۰۰۴؛ صالحی، ۲۰۰۹؛ گری و همکاران، ۲۰۰۷؛ امین، ۲۰۰۸؛ فاینبرگ و ویلر، ۲۰۱۳؛ ایلیم و تروپ، ۲۰۱۴؛ دانلد، ۲۰۰۱؛ ایگانتو، ۲۰۰۶؛ شبیری و پراهاالادا، ۲۰۰۶؛ ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲؛ عبدالحی، ۱۳۹۰).

بعضی از پژوهش‌هایی که به بعد احساسی نگرش‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: پژوهش با مقیاس‌های رایج مانند NEP که توسط دانلپ و ون‌لایر (۱۹۷۸) برای بررسی و اندازه‌گیری نگرش عمومی به محیط‌زیست و طبیعت طراحی شده‌اند و نگرش در معنای کلی و عمدتاً شناختی و ادراکی را در نظر گرفته‌اند. در این تحقیقات، اغلب در بحث سنجش «تعلقات زیست‌محیطی»، به بعد احساسی نگرش‌های زیست‌محیطی هم پرداخته شده است. با این حال، تفکیک و تشریح نظری این بعد از نگرش در مورد محیط‌زیست، بسیار محدود است و عمدتاً در بحث سنجش، به آن توجه اندکی شده است.

دانیل ویلابس (۲۰۱۳) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «سنجش ارتباط احساسی با طبیعت در بین کودکان»، معتقد است که میزان ارتباط احساسی فرد با طبیعت، بر تعلق او به محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد. او مقیاسی برای سنجش ارتباط احساسی با طبیعت در بین کودکان ایجاد و تأثیر آن را بر رفتارهای حامی محیط‌زیست بررسی می‌کند. همچنین از طریق مصاحبه گروهی با کودکان، سعی کرده است تا ارتباط احساسی آن‌ها با طبیعت توصیف شود.

هیندس و اسپارک (۲۰۰۷) با بررسی دانشجویان دوره کارشناسی علوم اجتماعی، دریافتند که ارتباط و تعلق احساسی، یکی از تعیین‌کننده‌های بسیار مهم در رفتارها و مشارکت‌های زیست‌محیطی افراد تلقی می‌شود. آن‌ها در این تحقیق، بارها تأکید می‌کنند که هرچه میزان تعلق احساسی فرد به محیط‌زیست بیشتر باشد، مشارکت و نیت به مشارکت در محیط‌زیست در قالب رفتارهای مسئولانه‌تر بیشتر است. همچنین، این مطالعه نتایج یافته‌های کالس و همکاران (۱۹۹۹) را در مورد اهمیت تعلق احساسی در مسائل زیست‌محیطی تأیید می‌کند.

پولی و اوکتر (۲۰۰۰) نیز معتقدند که باورها و احساسات، هر دو تشکیل‌دهنده مفهوم دیدگاه‌های زیست‌محیطی‌اند. این مطالعه تأکید می‌کند که تعامل تعلقات احساسی و باورها و عقاید نسبت به محیط‌زیست، در تعیین و پیش‌بینی باورها و عقاید مربوط به محیط‌زیست مؤثر و مهم است. به سخن شولتز و همکاران (۲۰۰۴)، هرچند تحقیقات پیشین به دیدگاه‌های زیست‌محیطی و میزان باور فرد به تعلق به محیط طبیعی، در قالب دغدغه‌های خودمدارانه یا دغدغه‌های زیست‌بوم‌گرایانه توجه کرده‌اند، اما نوع دغدغه‌های فرد درباره مسائل زیست‌محیطی، به این موضوع وابسته است که فرد تا چه حد خود را بخشی از محیط طبیعی و جزئی از آن می‌داند. آن‌ها معتقدند که پنداشت افراد در این مورد، ضمنی است.

مبانی و چارچوب نظری

درحقیقت، مطالعه احساس، یکی از موضوع‌های مهم جامعه‌شناسی خرد است و احساسات، پیوند حیاتی سطوح خرد و کلان واقعیت اجتماعی تلقی می‌شوند (ترنر و استس، ۲۰۰۵). در ادبیات مربوط به احساس، تعریفی قطعی از این مفهوم وجود ندارد. درمجموع، رهیافت‌های اثبات‌گرایی، ساختمان‌دنی اجتماعی و ترکیبی، سه رهیافت عام در جامعه‌شناسی احساسات تلقی می‌شوند. در رهیافت ساختمان‌دنی اجتماعی - که از دو نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه هنجاری تشکیل شده است - بر عوامل فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌شود. به‌طور جزئی‌تر، در نظریه کنش متقابل نمادین، تعریف و تفسیر موقعیت از جانب کنشگر و در نظریه هنجاری، هنجارها و قواعد فرهنگی - اجتماعی در شکل‌گیری و بروز احساسات مدنظر است، درحالی‌که رهیافت اثبات‌گرایی، از دو نظریه ساختاری و تضاد تشکیل می‌شود. در نظریه ساختاری، بر ساختار اجتماعی و روابط مبتنی بر قدرت و در نظریه تضاد، بر انرژی احساسی و منابع فرهنگی تأکید می‌شود. در رهیافت ترکیبی جاناتان ترنر، به رهیافت ساختمان‌دنی اجتماعی و اثبات‌گرایی به‌صورت توأمان توجه شده است (لوی، ۱۹۷۳ به نقل از کیانیپور، ۱۳۸۵: ۲۲؛ ون شد و ون لوئد، ۲۰۰۵؛ پاول، ۲۰۰۸: ۳۹۶؛ لین و پیوتر، ۲۰۱۰؛ کمپر، ۱۹۷۸).

بهبود رفتارها و تعلق به محیط‌زیست، زمانی حاصل می‌شود که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست‌محیطی در تمام اقشار یک جامعه است (اژدری، ۱۳۸۲؛ ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲). درواقع، نوع ارزش‌هایی که افراد در ارتباط با محیط‌زیست به آن‌ها معتقدند، تعیین‌کننده‌ای مهم در رفتارهای زیست‌محیطی آن‌هاست (هبرلین، ۱۹۷۲؛ زاهدی، ۱۳۸۶: ۴۸). هرچه صمیمیت و گرایش‌های نوع‌دوستانه در افراد بیشتر باشد، احساسات به محیط‌زیست مثبت‌تر و همدلانه‌تر است (میر و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۰۳). حال آنکه هرچه میزان تعلق به ارزش‌های تکنومحور بیشتر باشد، نگرش به محیط‌زیست منفعت‌جویانه‌تر خواهد بود (بار و همکاران، ۲۰۰۳ به نقل از طالبی صومعه‌سرای، ۱۳۹۲). از آنجاکه ارزش‌ها منبع و علت کنش‌اند، می‌توان انتظار داشت که پایبندی به ارزش‌های زیست‌محیطی، در افزایش ارتباط مثبت با طبیعت نقش داشته باشد.

اهمیت دین از این جهت است که ادیان با نگاهی اخلاقی، گذشتن از نفع فردی را به پیروان خود توصیه می‌کنند؛ به بیان دیگر، یکی از مسائل اساسی در دوراهی اجتماعی، گذشتن از نفع فردی آنی برای کسب نفع فردی درازمدت و جست‌وجوی نفع جمعی است. در این منظر،

گاهی که نفع درازمدت به آینده‌ای درازمدت (گاهی پس از مرگ) بازمی‌گردد، مذهب به‌کار می‌آید (دورکیم، ۱۳۶۹). دین و حاکم‌بودن ارزش‌های دینی در جامعه، از طریق تأثیرگذاری ارزش‌های دیگرخواهانه و تقویت آن، به ایجاد احساسات و تعلقات مثبت‌تر نسبت به محیط‌زیست منجر می‌شود. اخلاق، امری پویاست که با شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. در واقع، نیازها و اولویت‌هایی که از ارزش‌های جامعه سرچشمه می‌گیرند، در طی زمان تغییر می‌کنند و در انسان سبب ایجاد احساس جدیدی به طبیعت می‌شوند. از این‌رو، اخلاق برآمده از باورهای دینی باید نوع رفتار انسان با طبیعت را در هر زمان مشخص کند (دیپولا و کولکنت، ۲۰۰۰). در ایران که دین یا ایدئولوژی اسلامی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است و نقشی محوری در جامعه دارد، آموزه‌های اسلام نقشی بسیار اساسی در شکل‌دهی به نگرش‌های افراد ایفا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱).

همچنین، احساسات، متأثر از تعامل‌های اجتماعی افراد، در قالب یک زمینه و بستر اجتماعی و تحت تأثیر فرهنگ و دیگر عناصر اجتماعی هستند (پاول، ۲۰۰۸: ۳۹۵؛ ترنر و استتس، ۲۰۰۵). در بحث از تأثیر تعامل‌های اجتماعی بر احساسات، چه در حیطه جامعه‌شناسی احساس (تویتس، ۲۰۰۴؛ ترنر و استتس، ۲۰۰۵) و چه در حیطه جامعه‌شناسی محیط‌زیست، جامعه‌پذیری از متغیرهای مهم مورد بحث است؛ زیرا برای اکثر جامعه‌شناسان، احساسات برساخته‌هایی اجتماعی‌اند که متأثر از فرایند جامعه‌پذیری، درونی و ابراز می‌شوند؛ یعنی رویه‌های جامعه‌پذیری به افراد می‌آموزند که چه احساساتی را در برخورد با واقعیت‌های اجتماعی بروز دهند. در دوران جامعه‌پذیری، فرد با تجربه احساسی و احساسش به امور مختلف آشنا می‌شود، قواعد احساسی را در موقعیت‌های گوناگون می‌آموزد و نحوه مدیریت احساسات و هیجان‌هایش را فرامی‌گیرد (دونسمور و هالبرستات، ۲۰۰۸).

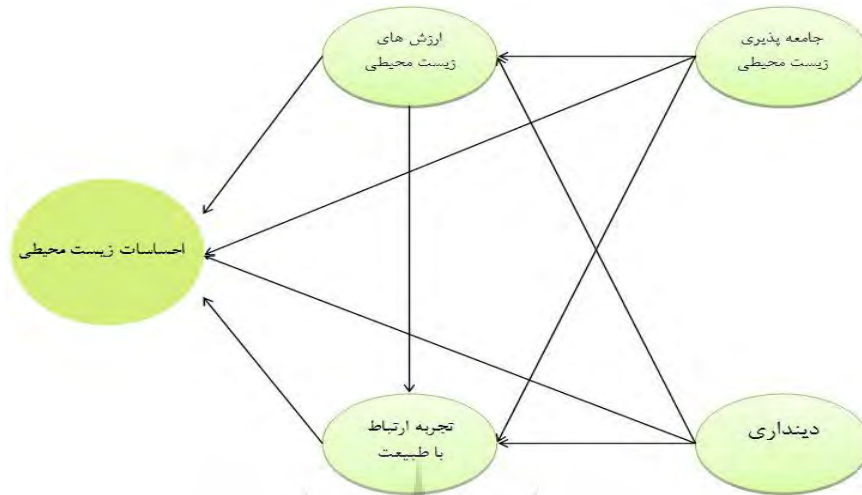
پژوهشگران در تغییر رفتارهای زیست‌محیطی و حرکت به سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه، بر ضرورت جامعه‌پذیری زیست‌محیطی تأکید کرده‌اند. اغلب، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی را فرایند کسب آموزش‌های زیست‌محیطی از گروه‌ها و نهادهای عمده و مرجع مانند خانواده، مدرسه، گروه همسالان و مدرسه می‌دانند. انتظار می‌رود احساسات به محیط‌زیست در ارتباط با جامعه‌پذیری افراد و نوع آموزش‌ها و دروندا‌های آن‌ها در دوران جامعه‌پذیری، در ارتباط با محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن باشد (کوئیمبیتا، ۲۰۰۵؛ صالحی، ۲۰۰۹؛ کولموس و آگمین، ۲۰۰۲؛ شاهنوشی و عبداللهی، ۱۳۸۶). آنچه در فرایند جامعه‌پذیری به فرد منتقل می‌شود، شامل

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و ارزش‌های زیست‌محیطی نیز از طریق جامعه‌پذیری، متأثر از سه گروه مرجع انتقال می‌یابد. از این‌رو، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی، در تقویت ارزش‌های زیست‌محیطی افراد نقشی اساسی دارد.

همچنین تجربه فرد از مکان (طبیعت)، بر نوع نگرش‌ها و احساسات او تأثیرگذار است. در واقع، محیط‌زیست و تجربه رابطه با آن، بخش مهمی از خودپنداره و به تبع آن، شکل‌دهنده واکنش‌های احساسی نسبت به آن است و این موضوع به شدت از تجربه‌های مکانی ما با طبیعت تأثیر می‌پذیرد (کلایتون و مایرز، ۱۳۹۰؛ چاولا، ۱۹۹۲؛ پروشناسکی، ۱۹۷۸؛ میر، ۲۰۰۴؛ پولی و اوکونر، ۲۰۰۰؛ شوتز و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۱؛ شوتز، ۲۰۰۲؛ ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ نیزبه و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، فرد نمی‌تواند یک احساس را بدون ارتباط آن با چیز دیگری تجربه کند. تجربه احساسی، اغلب در ارتباط با برخورد تمایل احساسی فرد با چیزی یا موقعیتی ایجاد می‌شود (ویلاوبوس، ۲۰۱۳: ۱۶).

چارچوب نظری

براساس رویکردهای مورد اشاره، رویکرد اصلی این پژوهش، اثبات‌گرایانه با تأکید بر وجه الزام‌های فرهنگی و ارزشی و همچنین رویکرد ساختمان‌داری اجتماعی است و به همین دلیل، از متغیرهای سطح کلان ساختاری در بررسی پرسش پژوهش اجتناب شده است. انتخاب این رویکرد به این دلیل صورت گرفت که احساس به‌عنوان مقوله‌ای ذهنی باید در سطوح میانه و خرد بررسی شود؛ بنابراین، در انتخاب مدل نظری، از متغیرهای کلان و ساختاری اجتناب شده است و متغیرها برحسب رویکردهای غالب نظری در جامعه‌شناسی احساس، یعنی رویکرد اثبات‌گرایی و رویکرد ساختمان‌داری اجتماعی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، با توجه به اقتضاها و مختصات رویکرد مذکور و موضوع پژوهش، متغیرهای پژوهش را طبقه‌بندی کرده‌ایم. متغیرهای دینداری و ارزش‌های زیست‌محیطی، الزام‌های فرهنگی و ارزشی رویکرد اثبات‌گرایانه را مطرح می‌کنند و متغیرهای جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و تجربه ارتباط با طبیعت نیز بر وجه تعامل‌های انسانی و دلالت‌های مربوط به یادگیری زیست‌محیطی تأکید دارند.



نمودار ۱. مدل نظری پژوهش

براساس چارچوب نظری بالا، فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست (احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق) ارتباط وجود دارد.
- بین ارزش‌های زیست‌محیطی و احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست (احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق) رابطه وجود دارد.
- بین دینداری و احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست (احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق) رابطه وجود دارد.
- بین جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست (احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق) رابطه وجود دارد.
- بین تجربه ارتباط با طبیعت و احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست (احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق) رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق، به شیوه پیمایشی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، تمام مردان و زنان بالغ (بالای ۱۸ سال) شهر تهران هستند که آن‌گونه که سالنامه آماری

۱۳۹۲ نشان می‌دهد، ۶،۲۶۰،۷۷۰ نفرند. از این تعداد، با استفاده ترکیبی از تکنیک نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ و خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران، ۴۰۳ پاسخگو انتخاب شدند. برای انتخاب پاسخگویان، ابتدا براساس نقشه، مناطق شهر تهران به تفکیک میزان سطح کیفیت زندگی گزارش شده در شهرداری تهران^۲، براساس ویژگی‌های جغرافیایی و سطح کیفیت زندگی به پنج طبقه شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شدند. سپس در هر یک از این طبقات، سه محله (در مجموع ۱۵ محله از شهر تهران) به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت، در هر محله، انتخاب بلوک، کوچه‌ها و در نهایت منازل به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی صورت پذیرفت.

تعریف مفاهیم

- متغیر وابسته در این تحقیق، احساسات زیست‌محیطی است که در دو بعد احساس وظیفه‌گرایی و احساس تعلق سنجیده شد. بخشی از نگرش‌های زیست‌محیطی، مجموعه احساسات خوشایند یا ناخوشایند در مورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسائل مربوط به آن در نظر گرفته شد (بلوم، ۲۰۰۷ به نقل از طالبی صومعه‌سرای، ۱۳۹۲؛ ویلالوبوس، ۲۰۱۳).
- «احساسات وظیفه‌گرایی» به حساسیت‌های افراد به وضعیت‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی مشکل‌آفرین اشاره دارد. در مجموع، احساسات وظیفه‌گرایانه، انواعی از احساسات دغدغه‌مندانه (نگرانی، اضطراب، توجه و دقت، ناراحتی و افتخار) را شامل می‌شوند (تکس سنتا، ۲۰۰۷).
- منظور از «احساس تعلق (یکی بودن) زیست‌محیطی» این است که فرد تا چه حد تصور می‌کند که جزئی از محیط‌زیست است و به آن عشق و توجه نشان می‌دهد. پارکینس (۲۰۱۰)، تعلق و احساس به محیط‌زیست را در قالب یک سازه به اسم عشق و مراقبت از طبیعت آزمود و این سازه را به معنای احساس عمیق عشق و مراقبت و توجه به طبیعت تعریف کرد (میر و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۰۵).

¹ Random stratified sampling

² <http://www.tehran.ir/Default.aspx?tabid=40>

- ارزش‌های زیست‌محیطی، از متغیرهای مستقل این تحقیق است؛ منظور از ارزش، معیارهای مشترک فرهنگی و منظور از ارزش زیست‌محیطی، جهت‌گیری‌های اساسی فرد در مورد محیط زیست است که جهان‌بینی وی را در مورد جهان طبیعی نشان می‌دهد (بار و همکاران، ۲۰۰۳ به نقل از طالبی صومعه‌سرای، ۱۳۹۲).
- از دیگر متغیرهای مستقل این تحقیق، دینداری است که به معنای داشتن اهتمام دینی است؛ به نحوی که بر نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را تأثیر بگذارد (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰؛ شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۲۶-۳۵).
- احساسات فرد نسبت به محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن، بدون قرارگیری وی در یک رابطه اجتماعی و واردشدن در فرایند جامعه‌پذیری ایجاد نمی‌شود (ترنز و استتس، ۲۰۰۵).
- نوع رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی ما به شدت متأثر از تجربه‌های مکانی ما در محیط‌زیست پیرامون است. هویت‌ها در زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف تفاوت می‌یابند. محیطی که در آن قرار داریم، بر نحوه ادراک و احساس ما تأثیر می‌گذارد (کلایتون و مایرز، ۱۳۹۰).

ابزار سنجش

ابزار این پژوهش، پرسشنامه‌ای ۸۵ پرسشی، اغلب مبتنی بر طیف لیکرت است که به صورت ترکیبی از سنجه‌ها و متغیرهای محقق‌ساخته و نیز اقتباس‌شده از دیگران و برمبنای چارچوب نظری تحقیق، مطالعات پیشین و بافت فرهنگی و اجتماعی شهر تهیه شد.

در سنجش ارزش‌های زیست‌محیطی، از سازه صالحی و همکاران (۱۳۹۱: ۴۷) استفاده شد. در الگوی شجاعی‌زند، دینداری در چهار بعد سنجیده شده است که عبارت‌اند از: اعتقادات، عبادت‌ها، اخلاق و شرع (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۸). سازه ارتباط با طبیعت نیز با اقتباس بخشی از سنجۀ عبدالهی (۱۳۹۰) آزمون شد. برای سنجش اعتبار سنجه‌ها، از توافق داوران و برای بررسی پایایی آن‌ها، از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ملاحظه می‌شود:

جدول ۱. مقادیر ضریب آلفای کرونیخ متغیرهای پژوهش

متغیرهای سازه‌ای	تعداد گویه	آماره آلفا	متغیرهای سازه‌ای	تعداد گویه	آماره آلفا
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۴	۰/۶۰۹	تجربه ارتباط با طبیعت	۸	۰/۷۷۷
جامعه‌پذیری زیست محیطی	۹	۰/۵۹۴	احساس تعلق به محیط زیست	۸	۰/۷۳۰
ارزش‌های زیست محیطی	۶	۰/۷۴۱	احساس وظیفه به محیط زیست	۱۵	۰/۶۷۵
دینداری	۲۹	۰/۷۹۰	احساسات به محیط زیست	۲۳	۰/۶۳۷

یافته‌های توصیفی

در نمونه مورد بررسی، ۵۳ درصد مرد و ۴۷ درصد زن هستند. در مجموع، ۷/۷ درصد افراد زیر ۲۱ سال و ۴۰/۲ درصد افراد بین ۲۱ تا ۳۵ سال قرار دارند. تقریباً ۲۰ درصد در طبقه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال و ۲۳/۳ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال قرار می‌گیرند و ۸/۹ درصد نیز بالای ۶۰ سال دارند. ۱۰/۴ درصد از پاسخگویان متولد روستا و ۸۸/۱ درصد متولد شهرند. بیش از دوسوم پاسخگویان (۷۶ درصد) تحصیلات دیپلم یا لیسانس دارند. ۱۴/۵ درصد زیر دیپلم، ۷/۳ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۱/۸ درصد دارای مدرک دکتری هستند.

میانگین وضعیت پایگاه اجتماعی^۵ اقتصادی در بین شهروندان تهرانی، بین ۲۱/۵۲ تا ۲۴/۸۱ در مقیاس صفر تا صد قرار دارد. بیش از ۸۶ درصد افراد در مقایسه با دیگران در سطح متوسط روبه پایین قرار دارند. ۴۶ درصد افراد در وضعیت طبقاتی بسیار پایین قرار دارند و ۴۱/۱ درصد متعلق به طبقه پایین هستند. ۸/۵ درصد پایگاه اجتماعی متوسط، ۲ درصد سطح بالا و ۰/۰۸ درصد سطح بسیار بالا دارند. این موارد، فاصله طبقاتی شدید و همچنین واریانس زیاد نمونه مورد بررسی را در مورد شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی نشان می‌دهند.

میانگین متغیر وابسته در مقیاس صفر تا صد، بین ۶۲/۱ تا ۶۵/۱ است که سطح متوسط به بالای احساسات زیست محیطی در نمونه پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین، جامعه‌پذیری زیست محیطی متأثر از خانواده، در بین شهروندان تهرانی در این مقیاس، بین ۶۸/۶ تا ۷۱/۶ است که در سطح بالایی قرار دارد؛ در زمینه گروه مرجع دوستان، این شاخص بین ۴۹/۷ تا ۵۲/۴ و در زمینه گروه همسایگان، این شاخص بین ۴۲/۵ تا ۴۶/۵ قرار دارد که ضعف جامعه‌پذیری زیست محیطی این گروه را نشان می‌دهد. شاخص جامعه‌پذیری زیست محیطی نیز که از این سه

بعد تشکیل شده است، در مقیاس صفر تا صد دارای میانگین بین $۵۴/۲$ تا $۵۶/۴$ و بیانگر جامعه‌پذیری زیست‌محیطی متوسط است.

ارزش‌های زیست‌محیطی نیز در مقیاس صفر تا صد، بین ۸۱ تا $۸۴/۵$ است؛ به‌این ترتیب، می‌توان گفت ارزش‌های زیست‌محیطی در میان شهروندان تهرانی، در سطح متوسط به بالاست. در مورد متغیر تجربه ارتباط با طبیعت، ارتباط ۳۱ درصد افراد با محیط‌زیست در حد متوسط، $۵۲/۹$ درصد در سطح بالا و $۱۵/۶$ درصد در سطح بسیار بالاست.

متغیر مستقل دینداری در این پژوهش - که با چهار بعد سنجیده شده است - نشان می‌دهد میانگین بعد اعتقادی دینداری در میان شهروندان تهرانی بین $۸۹/۹$ تا $۹۳/۱$ قرار دارد که بسیار بالاست، اما میانگین بعد عبادی در بین آنها بین $۵۶/۸$ تا $۶۰/۹$ است که به نسبت سایر ابعاد، در حد پایین‌تری قرار دارد. پارامتر میانگین بعد اخلاقی نیز بین $۷۲/۶$ تا $۷۵/۴$ از صد قرار دارد و میانگین بعد شرعی، بین $۶۷/۵$ تا $۷۰/۹$ است. میانگین دینداری در بین شهروندان تهرانی در مقیاس صفر تا صد، بین $۷۲/۱$ تا $۷۴/۸$ است که میزان دینداری تقریباً بالایی را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحلیلی

بررسی رابطه دومتغیره جنس با متغیر وابسته نشان می‌دهد که این رابطه معنادار است؛ به‌نحوی که زنان تهرانی، به‌میزان $۲/۳$ درصد، احساسات زیست‌محیطی بیشتری دارند. در مورد طبقه سنی، ملاحظه می‌شود که هرچند افراد زیر ۲۱ سال، احساسات زیست‌محیطی کمتری در مقایسه با گروه‌های سنی بالاتر داشته‌اند، اما این تفاوت معنادار نیست؛ بنابراین، باید گفت احساسات به محیط‌زیست در بین گروه‌های سنی مختلف شهر تهران در یک سطح است.

جدول ۲. آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل احساسات به محیط زیست برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون همگنی واریانس‌ها		آزمون T		میانگین	
		F	معناداری	T	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین
محل تولد	احساسات زیست محیطی	۰/۵۲۷	۰/۴۶۸	۱/۵۶۲	۳۴۶	۰/۱۱۹	۳/۲۵۱۴۲
				۱/۶۷۳	۴۳/۵۴	۰/۱۰۲	۳/۲۵۱۴۲
جنسیت	احساسات زیست محیطی	۴/۴۱۸	۰/۰۳۶	-۲/۱۶۴	۳۵۰	۰/۰۳۱	-۲/۴۷۲۹۷
				-۲/۱۹۰	۳۴۸/۵	۰/۰۲۹	-۲/۴۷۲۹۷
		F				معناداری	
	طبقه سنی	۰/۴۹۱				۰/۷۴۲	
	طبقه اقتصادی- اجتماعی	۰/۰۰۱				۰/۹۸۹	

همچنین، رابطه متغیر زمینه‌ای محل تولد با احساسات به محیط‌زیست، نشان می‌دهد که با وجود احساسات قوی‌تر در متولدان روستا، این تفاوت‌ها تصادفی بوده است و انتظار نظری دیگر محققان را تأیید نکرده است (هیندس و اسپارک، ۲۰۰۷؛ کالس و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین برخلاف یافته‌های دیگر محققان (طالبی صومعه‌سرای، ۱۳۹۲: ۱۵۶؛ صالحی، ۱۳۸۸ به نقل از ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۴۶)، بین تحصیلات و احساسات به محیط‌زیست، رابطه معناداری دیده نمی‌شود. ارتباط بین سنجۀ متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و احساسات نسبت به محیط‌زیست نیز معنادار نبوده است. از این‌رو، در شهر تهران، چه طبقات بالای جامعه و چه طبقات پایین، احساسات مشابهی به محیط‌زیست دارند.

این فرضیه که بین ارزش‌های زیست‌محیطی افراد و احساسات به محیط‌زیست، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، با اطمینان ۹۹ درصد و با شدت ۰/۶۶۱ تأیید شده است. فرضیه صفر درمورد وجود رابطه میان تجربه ارتباط با طبیعت و احساسات به محیط‌زیست شهروندان نیز در سطح ۰/۰۰۰ و با اطمینان ۹۹ درصد و با شدت ۰/۷۳۷ رد شده است؛ بنابراین، با توجه به جهت رابطه‌ها، درمیان شهروندان تهرانی با افزایش تجربه ارتباط با طبیعت، احساسات به محیط‌زیست نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

بررسی وجود رابطه میان دینداری و احساسات به محیط‌زیست، بیانگر رابطه معنادار با شدت ۰/۲۵۹ بین این دو متغیر است. با توجه به جهت مثبت روابط، در بین شهروندان تهرانی با افزایش میزان دینداری، به شدت بر احساسات به محیط‌زیست افزوده می‌شود و برعکس. همچنین، نتایج نشان می‌دهد فرضیه وجود رابطه میان جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و احساسات به محیط‌زیست با اطمینان ۹۹ درصد و با شدت ۰/۲۲۸ تأیید شده است. در همه ابعاد، متغیر جامعه‌پذیری زیست‌محیطی، ارتباط معناداری با احساسات به محیط‌زیست دارد. همچنین، رابطه میان ارتباط با طبیعت و احساسات به محیط‌زیست نیز با همین ضریب اطمینان و با شدت ۰/۷۳۷ نشان داد که درمیان شهروندان تهرانی، با افزایش تجربه ارتباط با طبیعت، احساسات به محیط‌زیست، اعم از احساس تعلق و احساس وظیفه افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای اصلی و احساسات به محیط‌زیست

مقدار معناداری	شدت همبستگی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	**۰/۶۶۱	احساسات زیست‌محیطی	ارزش‌های زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	**۰/۲۵۹	احساسات زیست‌محیطی	دینداری
۰/۰۰۰	**۰/۲۲۸	احساسات زیست‌محیطی	جامعه‌پذیری زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	**۰/۷۳۷	احساسات زیست‌محیطی	تجربه ارتباط با طبیعت

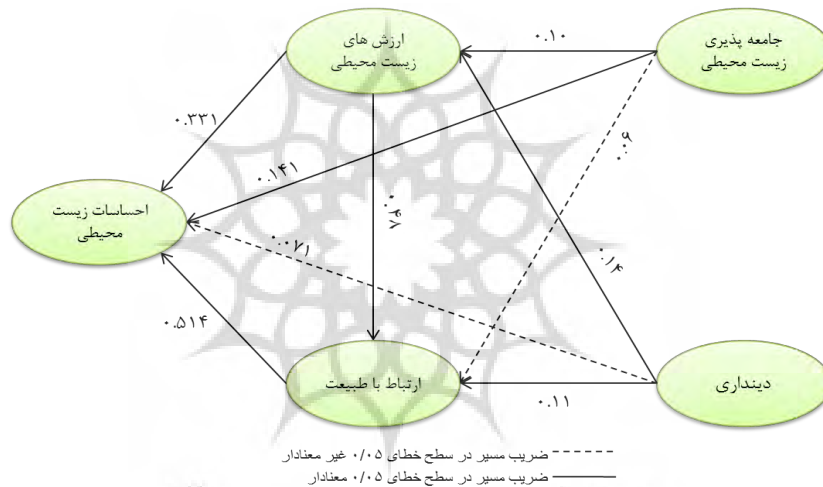
** p.value ≤ ۰,۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بررسی آزمون رگرسیون چندگانه در مورد تأثیر مجموع متغیرهای مستقل مدل نظری بر متغیر وابسته، در چند مرحله با استفاده از روش همزمان انجام گرفته است. با توجه به رابطه زیاد بین احساس وظیفه و احساس تعلق به محیط‌زیست ($R = ۰.۶۶۹$)، بر ساخت چنین متغیر کلانی منطقی است و از نظر آماری می‌توان به نتایج تحلیل آن استناد کرد. تحلیل رگرسیون چندگانه در مورد احساسات به محیط‌زیست، بیانگر معنادار بودن مقدار F در تحلیل رگرسیون است؛ بنابراین، نتایج این تحلیل را می‌توان به جامعه آماری تهران نیز تعمیم داد. با کنترل سایر متغیرها، سه متغیر اصلی تجربه ارتباط با طبیعت، ارزش‌های زیست‌محیطی و جامعه‌پذیری زیست‌محیطی در جامعه آماری، شدت احساسات مثبت زیست‌محیطی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به این تحلیل، در نهایت بیش از ۶۴ درصد از تغییرات متغیر احساسات به محیط‌زیست را در بین شهروندان تهرانی پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون چندگانه متغیر احساسات به محیط‌زیست

معناداری	t	Beta	b	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۰/۶۵۷	-	۲۰/۶۶۷	ثابت
۰/۹۹۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	جنسیت (مرد=۰ زن=۱)
۰/۰۰۰	۳/۷۶۵	۰/۱۴۱	۰/۱۳۳	جامعه‌پذیری زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	۷/۲۱۳	۰/۳۳۱	۰/۱۹۶	ارزش‌های زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	۴۲۶/۴۲۶	۰/۵۱۴	۰/۴۳۷	تجربه ارتباط با طبیعت
۰/۰۶۶	۱/۸۴۸	۰/۰۷۱	۰/۰۵۴	دینداری
۰/۸۰۴ = R	۰/۶۴۶ = R ²	۰/۶۴ = Adjusted R ²	۰/۰۰۰ = Sig	۹۷/۲۴۴ = F

همان‌گونه‌که در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که ارزش‌های زیست‌محیطی، با اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تأثیرگذاری بر تجربه ارتباط با طبیعت) با میزان اثر کل ۰/۵۷۸، درحالت کلی و سپس متغیر تجربه ارتباط با طبیعت با اثر مستقیم ۰/۵۱۴ بیشترین تأثیر را در مدل مسیر داشته است. در مرحله بعد، متغیر جامعه‌پذیری زیست‌محیطی، هم با اثر کلی مستقیم و هم غیرمستقیم ۰/۲۳ قرار دارد. درنهایت، کم‌اثرترین متغیر در احساسات به محیط‌زیست، دینداری است که بیشتر با اثرگذاری بر متغیرهای ارزش‌های زیست‌محیطی و تجربه ارتباط با طبیعت، به‌صورت غیرمستقیم بر احساسات به محیط‌زیست در حد ۰/۲۰۸ اثرگذار بوده است.



نمودار ۲. مدل مسیر احساسات به محیط‌زیست

نتیجه‌گیری

در سالیان متمادی، رابطه انسان با محیط‌زیست، رابطه‌ای از بالا به پایین و توأم با تلاش برای استفاده هرچه بیشتر از منابع طبیعی بوده است. باین‌حال، طی دهه‌های اخیر، با سست و منقطع شدن پیوندهای همدلانه بین انسان و زیست‌بومش به‌ویژه در جامعه شهری، ضرورت توجه به نحوه تعامل‌های بشر با محیط‌زیست، مورد توجه محققان بسیاری در حیطه‌های گوناگون علمی واقع شده است.

همان‌گونه که ملاحظه شد، سطح احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست، متوسط به بالاست، اما از آنجاکه متغیرهای مربوط جنبه اخلاقی دارند، می‌توان استدلال کرد که الگوی پاسخ‌دهی به گویه‌ها ممکن است جنبه شعاری داشته باشد یا متأثر از اصول رفتاری و عملی پاسخگویان باشد. در میان متغیرهای زمینه‌ای، فقط رابطه جنسیت با متغیر وابسته معنادار است. زنان احساسات همدلانه‌تری در مقایسه با مردان دارند. محل تولد نیز تأثیر معناداری بر متغیر وابسته ندارد؛ درحالی‌که متغیر تجربه ارتباط با طبیعت، فارغ از محل تولد قادر به پیش‌بینی معنادار تغییرات احساسات شهروندان تهرانی است. در واقع، در شهر تهران - که فرصت‌ها و امکانات ارتباط با طبیعت به‌نحو ساختاری و بنا به اقتضای جامعه شهری محدود است - نمی‌توان انتظار داشت که محل تولد، تفاوتی در احساسات شهروندان تهرانی ایجاد کند. از این‌رو، باید به اصلاح ساختار جامعه شهری و امکان‌سازی ارتباط بیشتر شهروندان با طبیعت اقدام کرد.

در بحث از ارزش‌ها درحالت عام و دین به‌عنوان نظامی از ارزش‌ها درحالت خاص، ملاحظه شد که احساسات زیست‌محیطی شهروندان تهرانی، متأثر از نظام ارزش‌ها تفاوت می‌یابد و هر قدر این نظام، درباره مسائل زیست‌محیطی به‌طور خاص و درباره موضوع‌های فرامادی در دین در دیدگاه شهروندان مهم‌تر باشند، می‌توان انتظار احساسات زیست‌محیطی همدلانه‌تری را داشت. همچنین، بررسی روابط میان ابعاد دینداری و متغیرهای وابسته بیانگر آن است که تأثیر دینداری بر احساسات به محیط‌زیست، بیشتر ناشی از رابطه ابعاد اخلاقی و شرعی با افزایش احساسات به محیط‌زیست است، درحالی‌که ابعاد عبادی و اعتقادی، نقش کمتری در افزایش احساسات زیست‌محیطی ایفا می‌کنند که منطبق آن قابل درک است؛ بررسی ماهیت ابعاد دینداری نیز این تفاوت‌های آماری را تأیید می‌کند؛ چراکه بخشی از کارکرد ابعاد اخلاقی و شرعی دین اسلام، توجه به محیط‌زیست است، درحالی‌که ابعاد اعتقادی و عبادی، بیشتر جنبه متافیزیکی دارند و نقش کارکردی کمتری در ارتباط با محیط ایفا می‌کنند.

مشخصاً در مورد موضوع این پژوهش می‌توان از احساساتی سخن به‌میان آورد که اساساً بدون قرارگیری در یک رابطه اجتماعی با دیگران و ورود به فرایند جامعه‌پذیری ایجاد نخواهند شد (کیانپور، ۱۳۸۵: ۱۸). در واقع، از آنجاکه بسیاری از تهدیدهای زیست‌محیطی در نتیجه رفتارهای انسانی به‌وقوع می‌پیوندند، تردیدی نیست که با آموزش مناسب در بسترهایی مانند خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی می‌توان شرایطی را ایجاد کرد که در آن، افراد به محیط‌زیست، تعلق و احساس مثبت داشته باشند؛ واقعیتی که روابط آماری نیز آن را تأیید می‌کند.

همان‌گونه‌که در مباحث نظری تشریح شد، هویت افراد، متأثر از رابطه آن‌ها با طبیعت تغییر می‌یابد که محاسبات آماری نیز این واقعیت را تأیید کرده است. در واقع، با زندگی در کلان‌شهر تهران، مانند بسیاری از شهرها و کلان‌شهرهای دیگر، افراد زمان زیادی را در محل کار یا محل زندگی خود می‌گذرانند و زمان چندانی را در طبیعت سپری نمی‌کنند. این بی‌تجربگی ارتباط با طبیعت یا کم‌رنگ‌شدن آن، تأثیری منفی بر انسان‌ها برجای می‌نهد.

عمده ادبیات نظری موضوع، قرابت عاطفی با طبیعت را که به رفتارهای همسو و همدلانه با طبیعت منجر می‌شود، در بخش عمده‌ای متأثر از ارزش‌ها و تعامل‌های انسانی می‌داند. از این‌رو، در این پژوهش نیز در گزینش مباحث نظری مربوط به احساسات به محیط‌زیست و ابعاد آن، به رویکرد اثبات‌گرایانه با تأکید بر وجه الزام‌های فرهنگی و ارزشی و همچنین رویکرد ساختمندی اجتماعی و تأکیدهای آن‌ها بر اهمیت فرهنگ توجه شده است؛ چراکه احساس، مقوله‌ای میانی و ذهنی است و متغیرهای کلان و ساختاری که در دیدگاه هنجاری رویکرد اثبات‌گرایی مطرح‌اند، در یک پژوهش سطح خرد راهگشا نخواهند بود. نتایج آماری بررسی مدل تحلیل نیز اهمیت متغیرهای سطح میانی را با تبیین کل ۶۴ درصد تأیید کرد. همان‌گونه که ملاحظه شد، به‌ترتیب، ارزش‌ها، تجربه ارتباط با طبیعت و جامعه‌پذیری، متغیرهای مهم در تبیین متغیر وابسته بوده‌اند. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که احساسات به‌عنوان عاملی مهم و تعیین‌کننده در نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست، باید از طریق سازوکارهای (مکانیسم‌های) مورد تأکید در این پژوهش تقویت شوند؛ از جمله لزوم توجه به نهادهایی که افراد در آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند؛ مانند خانواده، رسانه‌ها و آموزش مباحث درسی.

به‌منظور ارتقای جامعه‌پذیری زیست‌محیطی، پیشنهاد می‌شود به آموزش والدین در موضوع‌های زیست‌محیطی، آموزش به نیروهای داوطلب و اشاعه آن در قالب گروه‌های دوستان و طرح آموزش‌های زیست‌محیطی گروه‌های مردم‌نهاد و نهادهای عمومی در قالب اجتماع‌های محله‌ای پرداخته شود. در تقویت تأثیرگذاری آموزش‌های رسمی و تقویت ارزش‌های همدلانه‌تر با محیط‌زیست، پیشنهاد می‌شود به طراحی و اجرای آموزش‌های نظری و عملی زیست‌محیطی در نظام آموزش عالی، نقش آموزش‌های عملی زیست‌محیطی در نظام آموزش و پرورش، بسترسازی برای حضور انجمن‌های زیست‌محیطی مردم‌نهاد، تقویت نقش نهادهای عمومی مانند شهرداری، سازمان محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی پرداخته شود.

برای تقویت تجربه ارتباط با طبیعت، پیشنهاد می‌شود به بسترسازی و گسترش تورهای طبیعت‌گردی، توجه به اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی با محوریت آموزش‌های زیست‌محیطی و طرح و عملیاتی‌سازی ایده‌موزه‌های مصور از تاریخ حیات طبیعی و مسائل زیست‌محیطی ایران در داخل شهرها پرداخته شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی در این موضوع، به بررسی کیفی و معناکاوانه احساسات زیست‌محیطی، مقایسه شهر و روستا و مقایسه شهرهای طبیعت‌محور و صنعتی بپردازند.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۱)، بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، تهران: نشر علمی.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۷۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سروش.
- ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۱: ۳۷-۶۲.
- اژدری، افسون (۱۳۸۲)، «توسعه فرهنگی و محیط‌زیست»، فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط‌زیست، شماره ۳۹: ۲۷-۲۹.
- اصغری اصفهانی، لقمجانی (۱۳۷۸)، مبانی حفاظت از محیط‌زیست در اسلام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- آقایابی‌ابیانه، بنفشه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار خانواده با پسماند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بن‌سن، جان (۱۳۸۲)، اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط‌زیست.
- ترکان، هاجر و کجباف، محمد باقر (۱۳۸۷)، «نگرش چیست؟»، فصلنامه توسعه علوم رفتاری. شماره ۱: ۴۹-۵۴.
- تنهایی، حسن (۱۳۷۹)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: نشر نی نگار.
- حدادی، محسن (۱۳۸۹)، «اولین اثر مرجع در عرصه دین و محیط‌زیست»، ماهنامه اخبار ادیان، سال هشتم، شماره ۱: ۲۶-۲۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵). جامعه، احساس و موسیقی: کوششی در جهت آغاز یک بررسی جامعه‌شناختی از اثرات سازنده و مخرب موسیقی در ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاه ولی، منصور (۱۳۷۸). «بسترسازی برای مشارکت در توسعه و حفاظت از منابع طبیعی». *مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه*، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور: ۷۰-۴۹.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱: ۳۴-۶۶.
- صفاری‌نیا، مجید (۱۳۸۵). «کتاب‌شناسی: روان‌شناسی تغییر نگرش و رفتار مصرف‌کننده انرژی»، *اقتصاد و انرژی*، شماره ۸۹: ۱۳-۱۹.
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید (۱۳۹۲). *بررسی جامعه‌شناختی مصرف آب خانگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبدالمی، عطیه السادات (۱۳۹۰). «گزارش طرح تحقیقاتی بررسی عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان تهرانی»، مدیریت پژوهشی پیام نور استان اصفهان.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷). *در ستایش شرم: جامعه‌شناسی احساس شرم در ایران*، تهران: نشر اختران.
- کاظمی، جمال (۱۳۸۹). «نگاهی به آرای توماس بری، بنیانگذار الهیات زیست‌محیطی: روایت نو از دین، زمین و زندگی»، *ماهنامه اخبار ادیان*، شماره ۱: ۱۹-۲۵.
- کلایتون، سوزان و مایرز، جین (۱۳۹۰). *روان‌شناسی حفاظت از محیط‌زیست (درک و ترغیب مراقبت انسان از طبیعت)*، ترجمه عبدالله مفاخری و همکاران، تهران: انتشارات ارجمند.
- کیانپور، مسعود (۱۳۸۵). *بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی و احساسات اجتماعی در شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- کیانپور، مسعود و ربانی‌خوراسگانی، علی (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی احساسات، جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳۴: ۳۵-۶۴.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰). «الهیات محیط‌زیست»، *نامه فرهنگستان علوم*، شماره ۱۷: ۷-۳۰.
- ملکی، امیر و عبدالمی، عطیه السادات (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی محیط‌گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۲: ۳۴-۹.

- نواح، عبدالرضا؛ فروتن کیا، شهروز و پورترکارونی، محمد (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان (مطالعه موردی شهر اهواز)». فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات شهری، شماره ۱: ۷۷-۹۷.

- Barblet, J.M (1998), **Emotion, Social Theory, and Social Structure: A Macro-sociological Approach**. England: Cambridge University Press.
- Breckler, S. J. Wiggins, E. C (1989), **on defining attitude and attitude theory: Once more with feeling**. In A. R. Pratkanis. S. J. Breckler. A. G. Greenwald (Eds.), *Attitude structure and function*: 407-427, New Jersey: Lawrence Erlbaum.
- Budak, D (2005), Behavior & Attitude of Student toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey, **Journal of Applied Sciences**, Vol. 1: 1224-1227.
- Chawla, I (1992), **Childhood place attachment, human behavior and environment: advances in theory and research**, Vol. 12, Place attachment: 63-88, New York, Plenum Press.
- De Pau IA Go, cavalcant RN (2000), Ethics: essence for sustainability, **Journal of cleaner production**, Vol. 8: 109-117
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D (1978), The new environmental paradigm: A proposed measuring instrument and preliminary results". **Journal of Environmental Education**, Vol. 9: 10-19.
- Dunsmore, J. Halberstadt, A (2008), **The Dynamic Context of Emotion Socialization**, ISCF Summit, Riva San Vitale.
- Eagly, A.H. Chaiken, S (1993), **The Psychology of Attitudes**, Harcourt Brace and Company, Orlando.
- Flam, B.J (2006), Environmental Knowledge, Environmental Attitudes, and Vehicle Ownership and Use (PhD Dissertation in Partial Fulfilment of the requirements for city and regional planning). University of California, Berkeley.
- Giner-Sorolla, R (1999), **Affect in attitude: Immediate and deliberative perspectives**, In S. Chaiken, & Y. Trope (Eds.), *Dual-process theories in social psychology*, New York: Guilford.
- Grob, Alexander. (1995), A Structural Model of Environmental Attitudes and Behaviour. **Journal of Environmental Psychology**, 15 (3):209-220.
- Heberlein, T. A, Wisconsin, m (1972), **Environmental Attitudes**. *Abhandlungen, ZfU: 81-247* available at: 1~ 270www.drs.wisc.edu/.../heberlein / Environmental Attitudes.
- Heberlein, T.A (2012), **Environmental Attitudes**, Oxford: Oxford university press.
- Hinds, J. Sparks, P (2007), Engaging with the Natural Environment: The Role of Affective Connection and Identity, **Journal of Environmental Psychology**, Vol. 28: 109-120.
- Kaiser, F.G., Wolfing, S., Fuhrer, U (1999), Environmental Attitude and Ecological Behavior, **Journal of Psychology**, Vol. 19: 1-19.
- Kals, E., Schumaker, D., & Montada, L (1999), Emotional affinity toward nature as a motivational basis to protect nature, **Environment and Behavior**, Vol. 31: 178-202.
- Kemper, T. D (1978), **A social interactional theory of emotions**, Wiley interscience publication.
- Kollmuss, A., Agyeman, J (2002), Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior? **Journal of Environmental Education Research**, Vol.8: 239-260.
- Lasso De Lavega, E (2004), Awareness, Knowledge and Attitude about Environmental Education: Responses from Environmental Specialists, High School Instructors,

Students and parents (PhD Dissertation in the college of education). University of Central Florida, Orlando, Florida.

- Lynn, S.L. Piotr, W (2010), The Social Psychology of Emotion: A Bridge that is Not Too Far . **Social Psychology Quarterly**, Vol. 73: 327-332.
- Mayer, F.S, McPherson Frantz, C (2004), The connectedness to nature scale: A measure of individuals feeling in community with nature , **Journal of Environmental Psychology**, Vol. 24: 503° 515.
- Milfont, T.L duckit, J (2004), The structure of environmental attitudes: A first and second order confirmatory factor analysis , **Journal of environmental psychology**, 24 (3): 289-303.
- Nisbet, E, K., Zelenski, J. M., & Murphy, S. A (2010), Happiness is in our nature: Exploring nature relatedness as a contributor to subjective well-being , **Journal of Happiness Studies**, Vol. 13: 303-322.
- Pooley, J. A., & O Ginner, M (2000), Environmental education and attitudes , **Environment and Behavior**, Vol. 32: 711° 723.
- Powel, J.L (2008), Social Theory and Emotion: Sociological Excursions , **International Journal of Sociology and Social Policy**. Vol. 28: 394-407.
- Proshansky, H.M (1978), The city and self-identity , **Environment and behavior**, Vol. 10 (2): 146-169.
- Ryan, R. Deci, E.L (2000), Intrinsic and Extrinsic Motivations: Classic Definitions and New Directions , **Contemporary Educational Psychology**, Vol. 25: 54° 67.
- Salehi. S (2009), The New Environmental Paradigm and energy saving behavior, under consideration , **Journal of Environmental Education**, Vol. 16.
- Schultz, P. W (2002), Inclusion With Nature: The psychology of human- nature relations , **Psychology of sustainable development**, Vol 1: 61-78.
- Schultz, P. W., Shriver, C., Tabanico, J. J., Khazian, A. M, (2004), Implicit connections with nature , **Journal of Environmental Psychology**, 24(1): 31-42.
- Sutton, P (2007), **The Environment: A Sociological Introduction**, Cambridge: Polity Press.
- Takács-Svnta, A (2007), Barriers to Environmental Concern , **Human Ecology Review**, Vol. 14: 26-38.
- Taylor, Sh. E. Peplau, L. A. Sears, D. O (2003), **Social Psychology**, Pearson Education.
- Turner, J. H., Stets, J. E (2006), Sociological theories of human emotions , **Annual Review of Sociology**. 32: 25-52.
- Turner.J.H, Stets,K.S (2005), **The sociology of emotions**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Villalobos Silvas, D (2013), **Measuring and emotional connection to nature among children**, Colorado: Colorado State University.
- Von Scheve, C. Von Luede, R (2005), Emotion and Social Structures: Towards an Interdisciplinary Approach , **Journal for the Theory of Social Behavior**, 35 (3): 303-328.